

## رابطه سبک های فرزندپروری و هوش هیجانی در دانش آموزان متوسطه اول شهر سردشت زیدون در سال ۱۴۰۱ با تاکید بر پیشرفت تحصیلی

مجاهد همتیان<sup>۱</sup>، امین عاشوری قلمانی<sup>۲</sup>، حمید دهقانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد امور تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه

<sup>۳</sup> کارشناسی حرفه ای تربیت مربی پیش دبستانی

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و هوش هیجانی در دانش آموزان متوسطه اول شهر زیدون در سال ۱۴۰۱ با تاکید بر پیشرفت تحصیلی است. جامعه آماری شامل ۷۷۰ دانش آموز پسر و دختر (۴۰۶ پسر و ۳۶۴ دختر) با میانگین سنی ۱۳/۶ سال است که با روش نمونه گیری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۵۷ دانش آموز (۱۲۱ دختر و ۱۳۶ پسر) به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه ۳۳ سوالی شات و همکاران (۱۹۹۸) و پرسشنامه ۳۰ گویه ای سبک های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) است. نتایج نشان می دهند که سبک های فرزندپروری ارتباط مستقیمی با هوش هیجانی دارند.

**واژه های کلیدی:** هوش هیجانی، سبک های فرزندپروری، دانش آموزان زیدون، بامریند.

## مقدمه و هدف

آموزش دانش آموزان با هدف پیشرفت آنها در زمینه تحصیلی صورت می گیرد. مطالعه عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی مسئله ای پیچیده و چند بعدی است و به شکلی ظریف، به رشد جسمی، اجتماعی، شناختی و عاطفی دانش آموز مربوط است. به مرور زمان مشخص شده است که هر چند توانایی های ذهنی و شناختی تا اندازه ای با پیشرفت تحصیلی رابطه دارند و تا حدودی پیشرفت تحصیلی را پیش بینی می کنند، اما تنها کلید پیش بینی موفقیت تحصیلی نیستند. محققان در سال های اخیر متوجه برخی از عوامل غیرشناختی در موفقیت تحصیلی شده اند؛ از جمله مهارت ها و توانایی های هیجانی و اجتماعی که تحت عنوان هوش هیجانی مشهورند (پارکر و همکاران، ۲۰۰۴).

از دیدگاه گلن (۱۳۹۹)، هوش هیجانی نوعی از هوش است که در هنگام تصمیم گیری های مناسب در زندگی استفاده می شود و نشأت گرفته از شناخت احساسات خود فرد است. هوش هیجانی شامل توانایی دریافت درست، پردازش و بیان احساسات و هیجانات است که منجر به آگاهی بهتر فرد از چگونگی روابط فردی در جهت مدیریت هیجانان و عملکرد بهتر وی می شود و شامل چهار حیطه است: ۱) خودآگاهی شامل درک توانایی های خود و ابراز آنها؛ ۲) آگاهی اجتماعی شامل درک نسبت به دیگران و برآورد توانمندی های آنها و توانایی همدلی با آنها؛ ۳) مدیریت رابطه با دیگران؛ ۴) خودمدیریتی که شامل توانایی انطباق با تغییرات و حل مسایل شخصی و اجتماعی است. ارتباط هوش هیجانی با سلامت روان در مطالعات بسیاری ثابت شده است. از جمله یافته های مطالعه تمنائی فر و همکاران (۱۳۹۴) نشان می دهد که بین هوش هیجانی، خودکارآمدی و حمایت اجتماعی با سازگاری رابطه معناداری وجود دارد. ویژگی مهم هوش هیجانی این است که قابلیت آموزش و یادگیری را دارد و از طریق ارتقای هوش هیجانی می توان توانمندی های فرد را در جهت کاهش استرس و سازگاری بهتر با مشکلات و چالش های گوناگون زندگی بالا برد (کوشا و همکاران، ۱۴۰۰). امروزه هوش هیجانی به عنوان عامل پیش بینی کننده سلامت روانی، اجتماعی، موفقیت تحصیلی و شغلی از اهمیت شایانی برخوردار است (اکبری و همکاران، ۱۳۸۶). تحقیقات انجام شده در مورد ارتباط هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی به طور کلی بیانگر نقش معنادار هوش هیجانی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی است (پارکر و همکاران، ۲۰۰۴). عوامل مختلفی می توانند بر هوش هیجانی دانش آموزان تاثیر بگذارند. عوامل مرتبط با خانواده و از جمله سبک فرزندپروری از عوامل مهم در این موضوع هستند.

ارتباط والدین و فرزندان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را بوجود می آورد. هر خانواده شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خود به کار می گیرد که این شیوه ها را، شیوه های فرزندپروری می نامند. شیوه های فرزند پروری بیانگر نگرش هایی است که والدین نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل قواعدی است که برای فرزندان خود وضع می کنند. در واقع پایه و اساس شیوه های فرزندپروری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان شان است (خطیبی و بلاغت، ۱۳۹۸). بامریند سه سبک فرزندپروری را با خصوصیات و آثار متفاوت بر فرزندان معرفی کرده است که عبارتند از: سبک فرزندپروری مقتدرانه (منطقی)، فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری آسان گیر. در ارتباط با سبک های فرزندپروری و نتایج آنها مطالعات مختلفی صورت گرفته است. برخی مطالعات نشان می دهند که انسجام و تلاش خانواده به طور مثبت با عملکرد مدرسه و خودمختاری به طور منفی با عملکرد مدرسه ارتباط داشت (سعیدی و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین هاورد (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسید که والدین مقتدر در مقایسه با دیگر والدین، گرم تر، صمیمی تر و بامحبت تر هستند. در ارتباط با نقش سبک های فرزندپروری و هوش هیجانی، به طور کلی مطالعات نشان می دهند که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد (نصیرزاده، ۱۴۰۱). در این بررسی، تلاش است تا نوع روابط بین سبک فرزندپروری و هوش هیجانی مورد بررسی قرار گیرد.

## مواد و روش ها

پژوهش حاضر کاربردی و اطلاعات گردآوری شده از نوع همبستگی توصیفی است. جامعه آماری شامل ۷۷۰ دانش آموز (۳۶۴ دختر و ۴۰۶ پسر) متوسطه اول پایه هفتم، هشتم و نهم مدارس متوسطه اول شهر سردشت زیدون در سال تحصیلی ۱۴۰۱ است که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند. حجم نمونه با استفاده از جدول کوکران به دست آمده است. با توجه به فرمول کوکران با در نظر گرفتن نسبت دختر و پسر، حجم نمونه برابر با ۲۵۷ نفر است (۱۲۱ دختر و ۱۳۶ پسر).

ابزار اندازه گیری پرسش نامه ۳۳ سوالی شات و همکاران (۱۹۹۸) و پرسش نامه ۳۰ گویه ای سبک های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) است.

**پرسشنامه هوش هیجانی شات:** این پرسشنامه توسط شات و همکاران در سال ۱۹۹۸ بر اساس مدل نظری هوش هیجانی سالووی و مایر (۱۹۹۰) و برای سنجش هوش هیجانی نوجوانان ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۳ سوال دارد و برای نمره گذاری از مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً نادرست تا کاملاً درست استفاده می شود. طبق هنجاریابی خسرو جاوید (۱۳۸۱)، پایایی مقیاس هوش هیجانی کل بر مبنای آلفای درونی ۸۱ درصد و تحلیل عامل مقیاس با استفاده از روش تحلیل مولفه های اصلی، سه عامل تنظیم هیجان با آلفای ۵۰ درصد به دست آمده است.

**پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند:** در سال ۱۹۷۲، بامریند<sup>۱</sup> این پرسشنامه را به منظور بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته است. این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه است که ده گویه به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ گویه به شیوه استبدادی و ۱۰ گویه به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزندان مربوط می شود. برای بررسی اعتبار و روایی این پرسش نامه از روش افتراقی استفاده کرد و دریافت که شیوه استبدادی، رابطه منفی با سهل گیری ( $r=38\%$ ) و اقتدار منطقی ( $r=48\%$ ) دارد. همچنین برای محاسبه پایایی از روش بازآزمایی استفاده کرد و این نتایج را به دست آورد: شیوه سهل گیرانه ۸۱٪، شیوه استبدادی ۸۶٪ و شیوه مقتدرانه ۷۸٪ (امیری و همکاران، ۱۳۹۵).

## یافته ها

اطلاعات جمعیت شناختی در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: متغیر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
دختر	۳۶۴	۴۷٪
پسر	۴۰۶	۵۳٪
جمع	۷۷۰	۱۰۰٪

میانگین سنی دانش آموزان در این پژوهش ۱۳/۶ سال است. متغیرهای پژوهش (فرزندپروری سهل گیرانه، فرزندپروری مستبدانه، فرزندپروری مقتدرانه و هوش هیجانی) بر اساس شاخص میانگین و انحراف استاندارد توزیع نرمال را نشان می دهند.

۱. Baumrind

بر اساس ماتریس همبستگی بین متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی، هر سه بعد سبک‌های فرزندپروری، همبستگی معناداری با مولفه‌های هوش هیجانی دارند. نتایج نشان می‌دهند که استفاده والدین از سبک فرزندپروری مقتدرانه هوش هیجانی دانش‌آموزان را افزایش و استفاده از دو سبک دیگر (مستبدانه و سهل‌گیرانه)، هوش هیجانی را کاهش می‌دهد.

## نتایج و بحث

نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که سبک‌های فرزندپروری رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دارند به این صورت که سبک فرزندپروری مقتدرانه هوش هیجانی را افزایش و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه هوش هیجانی را کاهش می‌دهند. تعاملات و سبک‌های فرزندپروری کارآمد و ناکارآمد، پیش‌بین خوبی برای هوش هیجانی هستند و هوش هیجانی نیز می‌تواند موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. می‌توان بیان کرد که از میان روش‌های فرزندپروری، روش فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند هوش هیجانی را به شکل مثبتی پیش‌بینی کند. بامریند (۱۹۹۱)، دریافت که والدین قاطع بچه‌هایی دارند که اغلب سازگار، خوشرو، مسئولیت‌پذیر و متکی به خود هستند و جهت‌گیری‌های‌شان به سمت پیشرفت می‌باشد. بنابراین آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین می‌تواند علاوه بر ایجاد جو مناسب عاطفی، به افزایش هوش هیجانی و هوش هیجانی نیز به موفقیت تحصیلی منجر شود. در تبیین می‌توان بیان کرد که ابرازگری هیجانی والدین و فضای هیجانی که آنها از طریق سبک‌های فرزندپروری خود خلق می‌کنند، کودکان را در بکاربردن ارتباط هیجانی در تعاملات اجتماعی روزانه و معمول کمک می‌کند و یادگیری هیجانی را در ورای کسب مهارت‌های اجتماعی پیش می‌برد تا بتوانند از قواعد هیجانم در زمینه‌های مختلف و از جمله پیشرفت تحصیلی شود (نصیرزاده، ۱۴۰۱). علاوه بر آن، با گنجاندن مفهوم هوش هیجانی در برنامه آموزشی مدارس می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد تا با فشارهای تحصیلی بهتر مقابله کنند و کمتر دچار مشکلات هیجانی یا ترک تحصیل شوند (دهشیری، ۱۳۸۵). نتایج مطالعه الیاس و همکاران (۲۰۰۳)، نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی در مدارس از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند به شکلی مثبت، تاثیرات دراز مدتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد.

## منابع

امیری، منیره. خدابخشی کولایی، آناهیتا و پیرانی، ذبیح؛ تاثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر. مجله پژوهش در دین و سلامت. دوره ۲. شماره ۲. بهار

۱۳۹۵

جعفری، ابراهیم و عابدی، احمد؛ بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی با باورهای ناسازگار هسته‌ای در دانش‌آموزان. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی-اجتماعی

۱۳۹۴

خسروجاوید، مهناز؛ بررسی اعتبار و روایی مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان-شناسی عمومی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۱

خطیبی، علی. بلاغت، سید رضا؛ نقدی بر مدل فرزندپروری بامریند و آرایه مدلی از سبک فرزندپروری بر اساس نهج البلاغه. فصلنامه علمی پژوهش های نهج البلاغه: سال نوزدهم، شماره ۶۴، ۱۳۹۹.

دره، ایمان. بنی جمالی، شکوه السادات. احدی، حسن؛ نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابطه سبک های فرزندپروری و قلدری. مطالعات روان شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهرا (س): دوره ۱۵، شماره ۱، ۱۳۹۸.

دهشیری، غلامرضا؛ بررسی رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. تازه ها و پژوهش های مشاوره. جلد ۵. شماره ۱۸، ۱۳۸۵.

تمنایی فر، محمدرضا و لیث، حکیمه؛ رابطه هوش هیجانی، خودکارآمدی و حمایت اجتماعی با سازگاری دانش آموزان دبیرستان. فصلنامه پژوهش های نوین روان شناختی، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۴.

کوشا، مریم. نقی پور، سمیرا. فلاحی خشت مسجدی، مهناز؛ رابطه هوش هیجانی با استرس فرزندپروری در مادران کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش فعالی. مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان: دوره ۲۰، شماره ۱، ۱۴۰۰.

ناظمی هرندی، اعظم. جزایری، شادی. صابری، هاید؛ پیش بینی مشکلات هیجانی اجتماعی کودکان بر اساس سبک های فرزندپروری با نقش واسطه ای حمایت اجتماعی. مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک. دوره ۲۵. شماره ۱، ۱۴۰۱.

نصیرزاده، بهناز؛ رابطه سبک های فرزندپروری با هوش هیجانی در دانش آموزان. فصلنامه ایده های نوین روانشناسی: دوره ۱۲، شماره ۱۶، ۱۴۰۱.

Parker, J.D.A.; Creque, R. E.; Barnhart, D.L.; Harris. J. H. & Hogan, M.J.; Academic achievement in high school: Does emotional intelligence matter? Personality and individual difference, 29, 313-320. 2004.